

به نام خدا

هشدارهای یک مدیر مدرسه به شما

نویسنده:

«هنگامه قرمسینی»

۱۳۸۴

قرمسینی، هنگامه، ۱۳۳۷ -

هشدارهای یک مدیر مدرسه به شما / نویسنده: هنگامه قرمسینی. -

کرمانشاه: انتشارات کرمانشاه، ۱۳۸۴.

۲۱۶ ص.

ISBN: ۹۶۴-۶۶۰۳-۷۰-x

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

هشدارهای مدیر مدرسه به اولیاء دانش آموزان در جهت مراقبت بیشتر

از فرزندان خود.

PIR ۸۰۰۳

۱۳۸۴

۸۵۳/۸۲



● نام کتاب: هشدارهای یک مدیر مدرسه به شما

● نویسنده: هنگامه قرمسینی

● ناشر: هرمز بیگلری

● صفحه آرا و حروف نگار: اشرف ملکی

● چاپ: نهضت

● طراح جلد: کتیبه

● قطع کتاب: رقعی ۲۱۶ صفحه

● شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

● قیمت: ۱۴۰۰ تومان

● چاپ: اول - ۱۳۸۴

ISBN: 964-6603-70-x

● شماره شابک: ۹۶۴-۶۶۰۳-۷۰-x

انتشارات کرمانشاه - چهار راه مدرس: پارکینگ شهرداری مقابل هتل راه کربلا - تلفن ۷۲۲۲۹۳۲

همراه: ۰۹۱۸۸۳۶۳۰۶۴

مقدمه

هر که نه یاد تو فراموش به هر که نه گویای تو خاموش به
اگر تنهاترین شوم باز خدا هست، او جانشین همه نداشتن هاست.
نفرین و آفرین ها بی ثمر است. زیرا پناهگاه ابدی اوست و من نیز با توکل
بر او در همه امور زندگیم نفس می کشم.

به تو ای خواننده گرامی، ای مخاطب آشنای من، نمی دانم از چه قشر
و گروهی هستی، جوانی یا پیر، زن هستی یا مرد، دانشجو و دانش آموز
هستی یا فردی عادی و پیشه ور، ایرانی هستی و یا غیرایرانی، اما می دانم
که پدر، مادر و معلم هستی و یا خواهی شد. بکوش تا در سناریوی زندگی
نقش اول را داشته باشی. تربیت کن چنان که نیاز گلستان به گل از دانایی
باغبانش مرتفع می شود. در گذر عمر خواه و ناخواه به انجام می رسی و
خودت صاحب تجربه، اما فراموش نکن که از تجربه دیگران استفاده
کردن هنری است که شاید در جوانی به آن نمی اندیشی و در پیری نیازی
به آن نداری ولی حالا دیر نیست.

مهمترین رکن زندگی بشر تربیت نسل است، اگر خوب تربیت کنی
زهی سعادت والا مغبون دو جهان می شوی، سعی کن تا در فرزندان و
متربیان و جدانی آگاه، چشمانی باز و بینا، گامهایی استوار و هدفمند،
راستی در گفتار و درستی در کردار را بیاموزی و در این رهگذر نیز با

هشدارهای یک مدیر مدرسه به شما..... ۵

مدرسه هماهنگ شو، دستان اولیای مدرسه را در دستت بفشار و گرمای سوزان عشق به تعلیم و تربیت نسلی لایق را در وجودت احساس کن . آنان که چون شمع می سوزند تا پرتو افشان زندگی تاریک و پراز نشیب و فراز تو و فرزندان باشند. آنها که دغدغه تربیت، چنان واله و شیدایشان کرده و می کند که شاید هیچکس پی بدین همه شیدایی نبرد. آنها که برای ایجاد یک جامعه عاری از بدیها و آلودگیها و نامردیها و نامردمیها هشدار می دهند و فریاد می کشند و خون دل می خورند و زنگ خطر را برای تو مخاطب آشنا به صدا در می آورند که

ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی

تا رهرو نباشی کی راهبر شوی

در این وادی من نیز سوختم و در پی تربیت نسلی لایق این نهضت ، سیاهی موی را با سپیدی معامله کردم و اینک حاصل این بیع را بصورت خاطراتی چند از سپری نمودن روزگار جوانیم جهت آگاهی بیشتر تقدیم به ساخت مقدس پدران و مادران و معلمان و در یک کلام مردم وطنم می کنم تا بدانید که

چهل سال رنج و غصه کشیدیم و عاقبت

تدبیر ما بدست شراب دو ساله بود

والسلام